

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زمان؛ کلید واژهٔ فکر کانت

مابعدالطبیعه زمان

شرح فلسفه کانتی با محوریت زمان

دکتر مهدی طاهریان

(دکترای تخصصی فلسفه غرب از دانشگاه تهران)

سرشناسه	طاهریان، مهدی، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	زمان کلید واژه فکر کانت: مابعدالطبیعه زمان: شرح و تفسیر فلسفه نقادی / مولف مهدی طاهریان.
مشخصات نشر: تهران: برادری، ۱۳۹۳.	
مشخصات ظاهری	۴۲۲ ص.
شابک	: ۳۰۰۰ تومان ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۰۰۰۸-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: واژه نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: شرح و تفسیر فلسفه نقادی.
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. — نظریه درباره زمان
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. — نقد و تفسیر
موضوع	: زمان — فلسفه
رده کنگره	: ۱۳۹۳ ط ۸۲ / ۲۷۹۹ B۲۷
ردیف دیوبی	: ۱۹۳
رده کتابشناسی ملی	: ۳۴۹۷۹۲۶

کلید واژه فکر کانت دانش مابعدالطبیعه زمان



مجموعه نشریات

.....

مؤلف:

دکتر مهدی طاهریان

دکترای تخصصی فلسفه غرب از دانشگاه تهران / دانشکده فلسفه، دانشگاه امام حسین (ع)

ناشر:

انتشارات برادری

مدیر هنری:

محسن خرقانی (دفتر طراحان شاهرخ گرافیک)

شمارگان:

۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ:

اول

سال چاپ:

۱۳۹۳

قیمت:

۳۰/۰۰۰ تومان

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۴۷۹۰۰۰۸-۴

.....

تلفن و نمابر انتشارات:

۰۲۱-۳۳۱۲۵۰۲۶

تلفن همراه:

۰۹۱۲-۳۷۱۷۸۱۰

شرح علائم اختصاری

۱. C.P.R. = نقد عقل محض.

Critique of pure Reason.

A در این ارجاعات اشاره به طبع اول است و B اشاره به طبع و ویرایش دوم آن می باشد که توسط خود کانت انجام گرفته است.

۲. C.Pr.R. = نقد عقل عملی.

practical Reason Critique of

۳. Prol = تمهیدات

Prolomena to any Future Metaphysics

توجه: ارجاعات بر اساس بند و قسمت است و بر اساس ترتیب لوکاس می باشد

۴. J. = نقد قوه حکم

Critique of Jugement

۵. Gr = مابعدالطبیعه اخلاق

Groundwork of the Metaphysic of Moral

فهرست

شرح علائم اختصاری

۱ بیشتر

بخش اول: نقد عقل محض

فصل اول - شیء فی نفسه و شیء پدیدار

- ۱۱ تصویر شیء فی نفسه و شیء پدیدار
- ۱۲ دیدگاه منطقی و روان شناسانه دربار شیء فی نفسه
- ۱۴ علت اختلاف دو دیدگاه و جمع میان آن دو
- ۲۶ زمان ملاک در تقسیم شیء به فی نفسه و پدیدار
- ۲۶ شیء پدیدار تصویری و شیء پدیدار تصدیقی

فصل دوم - حسیات استعلائی: تصور پدیداری و صورت زمانی

- ۳۱ شهود: حسی، عقلی، محض، بی واسطه
- ۳۵ تصور، ارتسام، تمثیل، مفهوم
- ۳۶ قوای ادراکی انسان: حس، فاهمه، تخیل، عقل
- ۴۰ تصور پدیداری ترکیبی از ماده و صورت زمانی و مکانی
- ۴۳ حقیقت زمان و مکان از افلاطون تا کانت
- ۵۳ حقیقت زمان و مکان در نظر کانت
- ۵۶ مفهوم امر پیشینی و استعلائی

۶۰	اثبات پیشینی بودن زمان و مکان
۶۷	منشاء ضرورت و کلیت: صورت زمانی ذهن
۶۹	مکان قابل تأویل به زمان

فصل سوم - تحلیل استعلائی: تصدیق پدیداری و ویژگی زمان

۷۳	عبور کلی از بحث تحلیل استعلائی
۷۴	قوه فاهمه: حکم، تصدیق و تفکر (مقدمه بحث استنتاج متافیزیکی)
۷۶	کشف مقولات فاهمه (استنتاج متافیزیکی جدول احکام)
۸۷	امکان مفروض پیشینی (استنتاج استعلائی: وحدت ادراک - ادراک نفسانی)
۹۲	حیث زمانی: موقت (استنتاج استعلائی: بحث شاکله)
۱۰۱	نتیجه حیث زمان: مقوم: کشف اصول پیشینی علم (اصول کلی نظام فاهمه محض)
۱۱۵	اصول پیشینی علم: پیشینی بودن ریاضیات و علم تجربی

فصل چهارم - نتایج حسی و تحلیل امکان علم به امور زمانمند

۱۱۹	شرایط علم و معرفت و حضور زمان در آن
۱۲۴	ویژگی گزاره علمی و نقش زمان در آن
۱۳۵	زمان در ذات آگاهی و خودآگاهی ما
۱۳۷	تفکر حیث زمانی دارد
۱۵۰	علم ریاضیات و تجربی: ممکن، به دلیل زمانی بودن

فصل پنجم - جدل استعلائی: عدم امکان علم به امور زمانمند

۱۵۳	بیان کلی عدم امکان علم به امور غیر زمانی
۱۵۶	جدل استعلائی: بیان علت عدم امکان علم به امور غیر زمانی
۱۵۶	توهم استعلائی: تصور امور غیر زمانی همچون زمانی
۱۶۲	مغالطات عقل محض: جمع میان امر مشروط و نامشروط
۱۶۹	تعارضات عقل محض: تصور امر غیر جوهری همچون جوهری

تصور ایده آل عقل محض: یک واقعیت استعلائی و نه جوهری	۱۸۶
صور عقل نظام بخش: به دلیل غیر زمانی بودن	۱۹۹
علم مابعد الطبیعه ناممکن به دلیل غیر زمانی بودن	۲۰۲

بخش دوم: نقد عقل عملی

فصل ششم - احکام اخلاقی: کلی و ضروری

بیان کلی حضور زمان در احکام اخلاقی	۲۰۵
امر و نهی: نبایدها و نیایدها	۲۰۵
منشأ اخلاق: خمد بنیادی اخلاق	۲۰۶
مطلق بودن امر: نسبت فعل اخلاقی	۲۰۸
موضوع اخلاق: نیک و بد	۲۱۵
انگیزه اخلاق: احساس اخلاق	۲۱۸
احکام اخلاقی: تألیفی و مستقیم	۲۲۱
عینیت و واقعیت اخلاق	۲۲۳
لازمه عینیت اخلاق: اختیار، بقاء نفس و خدا	۲۲۴
وجود امری پیشینی در حکم اخلاقی (زمان)	۲۲۸

بخش سوم: نقد قوه حکم

فصل هفتم - احکام ذوقی و غایتی: کلی و ضروری

بیان کلی حضور زمان در احکام ذوقی و غایتی	۲۳۱
مفهوم حکم و اقسام آن	۲۳۱
ویژگی های حکم ذوقی و انواع آن	۲۳۳
انواع حکم غایتی و مفهوم آن	۲۴۱
حضور امری پیشینی در حکم ذوقی و غایتی (زمان)	۲۵۰

فصل هشتم - تفکر زمانی کانت و فلسفه های معاصر

هایدگر ۲۵۳

هگل، ایده باوری متافیزیکی ۲۶۶

اگزیستانس ۲۶۹

پدیدار شناسی ۲۷۴

پراگماتیسم ۲۷۸

نوکلئوس مارکسیسم ۲۷۹

فلسفه تحلیلی ۲۸۲

پیوست ها:

پیوست الف - نحوه نگارش ۲۹۱

پیوست ب - نقش عقل در تصور کانت ۲۹۳

پیوست ج - شارحان معروف کانت ۳۰۳

پیوست د - آثار و تألیفات کانت ۳۰۹

پیوست ه - آثار مهم ترجمه شده کانت ۳۱۳

پیوست و - آثار مهم نوشته شده در کانت ۳۱۵

پیوست ز - مبانی فلسفه نقادی کانت ۳۲۱

نمایه ها:

نمایه اشخاص ۳۲۵

نمایه کتاب ها ۳۲۶

نمایه موضوعات ۳۳۰

واژه نامه:

انگلیسی - فارسی ۳۴۵

فارسی - انگلیسی ۳۷۳

کتابنامه

پیشگفتار

هر یک از مکتب‌های فلسفه بزرگ که بنیان‌گذار مکتب فلسفی بوده‌اند، دارای یک نکته کلیدی و محوری در تفکر فلسفی خود می‌باشند؛ براساس همین نکته است که اندیشه‌های آنها در قلمروهای مختلف چون سبزی‌زیکی، اخلاق، هنر، سیاست، دین، معرفت‌شناسی و غیره شکل گرفته است. کشف این نکته کلیدی برای شناخت هر یک از این فلسفه‌ها از ضرورت تام برخوردار است. این نکته کلیدی در حکم رمز ورود به این فلسفه‌ها می‌باشد و بهترین طریق شناخت این فلسفه‌ها، ورود مستقیم به آنها از این منظر است. به عنوان مثال در فلسفه افلاطون این نکته محوری و اساسی نظام فلسفی، در فلسفه نظریه جوهر، در فلسفه دکارت ذهن و در فلسفه هگل فلسفه تاریخ یا نظریه دیالکتیک می‌باشد.

نکته کلیدی فلسفه کانت عبارت از مسئله زمان است. این مسئله اهمیت زمان در این فلسفه همچون نقش مثل در فلسفه افلاطون، نقش جوهر در فلسفه، نقش ذهن در فلسفه دکارت، نقش فلسفه تاریخ و دیالکتیک در فلسفه هگل و نقش وجود در فلسفه اسلامی را دارد، بر این اساس می‌توان گفت کل فلسفه نقادی کانت شامل نقد عقل محض، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم بر محور زمان استوار است. شواهد و دلائلی که این مطلب را تأیید می‌کند در ذیل می‌آید:

۱. یکی از مبانی و افکار محوری کانت در نقد عقل محض، نقد عقلی عملی و حتی نقد قوه حکم بحث شیء فی نفسه و شیء پدیدار است. کانت در نقد عقل محض در بحث حسیات استعلائی، بحث رد ایده‌آلیسم، بحث نومن یا ذوات معقول و حل مغالطه چهارم از شیء فی نفسه و شیء پدیدار سخن می‌گوید. او در نقد عقل عملی هم در بحث اصول

موضوعه اخلاق از اختیار، خلود نفس و خدا به عنوان ذوات معقول یا شیء فی نفسه یاد می‌کند. در نقد قوه حکم مطرح می‌کند که تعبیر غایتی از طبیعت، بدون مفروض گرفتن عقلانی عمل کردن طبیعت ممکن نمی‌باشد و معقول عمل کردن طبیعت، بدون مفروض گرفتن یک ذات معقول یا شیء فی نفسه که واقعیت استعلائی و نه جوهری دارد، امکان ندارد. با توجه به گزارش کلی که از شیء فی نفسه و شیء پدیدار بیان گردید، جایگاه و اهمیت این بحث در سراسر فلسفه نقادی کانت اعم از نقد عقل نظری، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم، مشخص می‌شود. ملاک کانت در تقسیم شیء به فی نفسه و پدیدار در همه این موضوعات مسئله زمان است و به طور کلی از نظر او شیء پدیدار چیزی است که در زمان واقع می‌شود و قوتی که در قالب زمان می‌باشد، اما شیء فی نفسه این گونه نیست.

۲. همان‌طوری که می‌دانیم کانت سه نوع حکم تشخیص می‌دهد: تحلیلی - ماتقدم، تألیفی - ماتقدم، تألیفی - ماتأخر. او احکام و قضایای حسوزه علم، اخلاق و هنر (احکام زیباشناختی و عایی) تألیفی ماتقدم می‌داند و می‌توان گفت تمام تلاش او در نقد عقل محض، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم اثبات همین مطلب است. مقصود کانت از ماتقدم یا پیشینی بودن این قضایا این است که عنصری که از تجربه گرفته نشده است، در این گونه قضایا وجود دارد و آن عبارت از کلیت ضرورت است. از نظر کانت این دو عنصر ملازم یکدیگر و همچون دو روی یک سکه هستند. به عنوان مثال اگر بین الف و ب رابطه ضروری باشد، هر زمان که الف وجود دارد، باید ب هم باشد. پس معنای ضرورت این است که در هر زمانی که تحقق علت یک چیز باشد آن چیز هم باید وجود داشته باشد. روشن است که این گونه امری کلی است یعنی مورد استثنایی ندارد.

از نظر کانت کلیت و ضرورت نمی‌تواند برگرفته از تجربه بوده باشد، زیرا ما در قلمرو حس و تجربه چیزی بنام ضرورت و کلیت را مشاهده نمی‌کنیم؛ بنابراین این دو باید از جایی دیگر ناشی شده باشند. منشاء آنها نیز نمی‌تواند قوه فاعله باشد، زیرا کار این قوه و فعالیت آن، ترکیب تصورات (حسی) است و نه اینکه تصوری را خارج از ما ارائه دهند. به عبارت روشن‌تر مقولات فاعله کارکرد منطقی دارند، یعنی به کمک آنها تصورات حسی تبدیل به تصدیق و احکام می‌شوند. نه اینکه کارکرد آنها ارائه تصور و مفهوم باشد.

از نظر کانت وقتی این دو تصور (ضرورت و کلیت) نه از قوه حس و نه قوه فاعله گرفته شده باشند، راهی دیگر باقی نمی‌ماند جز اینکه گفته شود ریشه در صورت زمانی ذهن ما

دارند. توضیح مطلب اینکه زمان که صورت ذهن است، دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که از آن به مقولات فاهمه یاد می‌شود، یکی از این ویژگی‌ها یا مقولات، مقوله ضرورت است؛ بر این اساس چون زمان امر پیشینی است، پس این دو تصور هم که در صورت زمانی جای دارند پیشینی و ماتقدم خواهند بود. بدین گونه است که کانت جواب هیوم را می‌دهد که اگر چه ضرورت (جبر علی) در خارج نیست، ولی جایی در صورت ذهن ما دارد، نه اینکه امری موهوم بوده و صرفاً جنبه روان شناختی داشته باشد.

۱. کانت کتاب «نقد عقل محض» را در دو باب بنام «تعلیم استعلائی عناصر» و «تعلیم استعلائی روش» قرار می‌دهد. باب اول را به دو بخش، حسیات استعلائی و منطق استعلائی تقسیم می‌کند. بخش منطق استعلائی را به دو قسمت به نام تحلیل استعلائی و جدل استعلائی تقسیم می‌نماید. در واقع کانت در تحلیل استعلائی به این مطلب می‌پردازد که به چه چیز می‌توان علم حاصل نمود و در جدل استعلائی در مقام این است که به چه چیز نمی‌توان علم حاصل نمود و او در این تفکیک در نهایت مسئله زمان است. از نظر کانت تحقق معرفت منوط به روشی است: شرط اول این است که داده‌های حسی در قالب و صورت زمان (و مکان) درک شوند. بدین گونه تصور پدیداری در ما به وجود می‌آید. شرط دوم این است که به کمک مقولات فاهمه که در واقع هر کدام تعیین و خصوصیت خاصی از زمان هستند، ترکیب شوند و به صورت ضد (حکم و قضیه) پدیداری در آیند. کانت شرط اول را در بحث حسیات استعلائی و شرط دوم را در بحث تحلیل استعلائی مورد بررسی قرار می‌دهد.

کانت در بحث تحلیل استعلائی این مطلب را مورد توجه قرار می‌دهد که مقولات فاهمه هر کدام بیانگر ویژگی خاصی از زمان هستند (بحث شاکله) و با کار منطقی دارند، یعنی تصورات حسی را ترکیب می‌کنند. آنها چون دارای حیث زمانی هستند و خصوصیات زمان را بیان می‌کنند، بنابراین فقط تصوراتی در آن قالب‌ها درمی‌آیند و به وسیله آنها ترکیب می‌شوند. (به صورت حکم و قضیه درمی‌آیند) که زمانی درک شوند؛ بر این اساس به این نتیجه می‌رسد که ما می‌توانیم دارای احکام علمی در حوزه ریاضیات و علم تجربی بوده باشیم، زیرا مفاهیمی که در این دو علم مورد بررسی قرار می‌گیرد زمانی درک می‌شوند، پس شایستگی ترکیب توسط مفاهیم فاهمه را دارا هستند.

کانت در جدل استعلائی نقد عقل محض به این مطلب می‌پردازد که معرفت و علم در قلمرو مابعدالطبیعه امکان ندارد و ما بعدالطبیعه به عنوان یک علم نمی‌تواند مطرح باشد،

زیرا دو شرطی که برای معرفت گفته شد در این مورد متحقق نیست، یعنی مفاهیمی که در این علم مورد استفاده قرار می گیرند همچون خدا، نفس، جهان و غیره از راه حس به دست نیامده اند، به طور زمانی درک نمی شوند و چون این گونه هستند نمی توانند توسط مفاهیم فاهمه ترکیب شوند و به صورت قضیه علمی، معرفت و تفکر در آیند. از نظر کانت اگر این کار انجام شود، یعنی ما مفاهیم فاهمه را در مورد این گونه تصورات غیر محسوس بکار بریم، دچار انواع مغالطات، تعارضات جدل الطرفین همچون حدوث و قدم جهان خواهیم شد. با وجود آنچه گفته شد به خوبی روشن می شود که مباحث مطرح شده در نقد عقل محض، نهایت بر مسئله زمان مبتنی است، و از این طریق نشان داده می شود که یک امر پیشینی در مسئله معرفت انسانی حضور دارد.

۴. کانت در نقد عقل عملی، اخلاق را مربوط به قلمرو باید‌ها می داند، نه قلمرو هست‌ها و به همین خاطر است که تکام اخلاقی به صورت باید و نباید صادر می شود. این باید و نباید حاکی از ضرورت دانستن این انجام است، بر این اساس عنصر ضرورت که در واقع تعبیر دیگر از زمان و بیانگر یکی از ویژگی های آن است در احکام اخلاقی وجود دارد.

کانت در نقد عقل عملی موضوع اخلاق را مسئله خیر و خوبی یا اراده نیک می داند و مطلب را این گونه توضیح می دهد: افشای که احکام و دستورات اخلاقی را انجام می دهند، اگر چه در مصداق این احکام با هم اختلاف دارند، ولی در یک امر با هم مشترک هستند و آن عبارت از این است که قصد همه این است که با انجام این دستورات به خیر برسند، بر این اساس در اراده نیک یا خیر که غایت نهایی فعل اخلاقی است و موضوع اخلاق به حساب می آید، عنصر کلیت که تعبیر دیگری از زمان به حساب می آید حضور دارد.

از نظر کانت از آنجا که خیر و خوبی خود هدف نهایی فعل اخلاقی است و به انگیزه ای خارج از خود طلب نمی شود؛ بنابراین نامشروط، مطلق و کلی است. اما این کلیت و مطلق بودن اخلاق (خیر و خوبی) سه ویژگی فعل اخلاقی یا سه قانون اخلاق است: ۱) استلزام می کند: آن گونه رفتار کن که بتوانی اراده کنی که رفتار تو به عنوان یک عدد کل بر آید.

۲) آن گونه رفتار کن که آن رفتار چون تکلیف است آنرا انجام می دهی یک دستور اخلاقی موقعی اخلاقی است که به قصد انجام تکلیف انجام گیرد.

۳) آن گونه رفتار کن که اراده تو در آن رفتار، بر خواسته از عقل باشد و نه میل. همان طور که مشخص است در هر یک از این سه قانون اخلاق، مطلق و کلی بودن حضور دارد.

با توجه به آنچه گفته شد به خوبی به دست می آید که کانت در نقد عقل عملی هم بدنبال نشان دادن کلیت و ضرورت که تعبیر دیگری از زمان است می باشد؛ بدین گونه او می خواهد نشان دهد که یک امر پیشینی و ماتقدم در احکام اخلاقی هم وجود دارد.

۵. کانت در نقد قوه حکم درباره دو موضوع، احکام زیباشناختی و غایتی به بحث می پردازد. او در بحث اول مسئله زیبایی را مورد بحث قرار می دهد و چهار ویژگی تحت عنوان ویژگی کمیّت، کیفیت، نسبت و جهت مطرح می سازد که در همه آنها به نوعی کلیت و ضرورتی به تعبیر دیگر زمان حضور دارد. کانت در بحث احکام غایتی (نگاه غایت انگارانه به طبیعت) به این مطلب می پردازد که صدور این احکام و حتی تبیین های مکانیکی مبتنی بر علت فاعلی و مروض گرفتن یک امر کلی و پیشینی امکان ندارد. آن امر عبارت از این است که طبیعت معقول عمل می کند و در کار خود دارای رویه واحد و یکسان است. با توجه به آنچه گفته شد کانت در نقد قوه حکم هم به هدف اصلی و نهائی خود که اثبات یک امر پیشینی که همان کلیت و ضرورت در این احکام است می رسد؛ و با توجه به اینکه کلیت و ضرورت تعبیر دیگر نشان این تفکر زمانی خود را در این قلمرو هم نشان می دهد. ۶. از نظر کانت وجود مساوی با پیدایش است، زیرا او وجود را از مقولات می داند و مقولات را فقط بر امور پدیداری قابل اطلاق می داند. از نظر کانت پدیدار حیث زمانی دارد، زیرا هر امر پدیداری در زمان درک می شود. نتیجه این دو مطلب این است که وجود از نظر کانت دارای حیث زمانی است و قابل تأویل به زمان می باشد.

با توجه به مطالبی که طی شماره های ۱ تا ۶ مطرح شد، روشن می شود که چگونه مسئله زمان کل فلسفه نقادی کانت را فرا گرفته و او در همه مسائل مهم فلسفه خود از این زاویه و نگاه در نهایت می نگرد. هدف نهائی او از این نگاه زمانی اثبات یک امر پیشینی در احکام علمی، احکام اخلاقی و احکام ذوقی و غایتی است. با توجه به این مطلب معلوم می شود که نگاه غالب و عموم مبنی بر اینکه کانت بحث زمان را فقط در بحث شاکله از نقد عقل محض مطرح کرده است، یک تصور غلط می باشد بلکه تصور درست این است که مسئله زمان کل فلسفه نقادی کانت را تشکیل می دهد. از جمله افراد نادری که به این مطلب توجه پیدا کرده، هایدگر می باشد. او می گوید: فصل شاکله سازی کانت با اینکه بیشتر از یازده صفحه نیست، ولی به یک معنا، هسته مرکزی کل افکار کانت در احیای اساس مابعدالطبیعه است.^۱

اگر مسئله زمان مطابق آنچه گفته شد، کل فلسفه کانت را همچون تارو پودی فراگرفته

و ساخته باشد، نشان می‌دهد که کلید واژه اصلی فکر کانت واژه زمان است؛ بر این اساس اگر بخواهیم این فلسفه را به‌خوبی درک، تفسیر و شرح دهیم، باید براساس محوریت این کلید واژه باشد. همانطور که در قبل گفته شد فهم هر فلسفه‌ای از فیلسوفان بزرگ تنها با کشف کلید واژه اصلی فکر آنها می‌باشد. کاری که در این اثر شده است، کشف همین مطلب و تفسیر فلسفه نقادی براساس همین کلید واژه است.

پیتن نام تفسیر خود بر فلسفه کانت را «مابعدالطبیعه تجربی کانت» نامیده است. با توجه به مجموعه مطالب گفته شده، به نظر نگارنده این اثر، انتخاب عنوان «مابعدالطبیعه تجربی» مناسب‌ترین نام برای این فلسفه است و به همین خاطر این اثر که تفسیر و شرحی بر فلسفه نقادی است، به این عنوان نامگذاری شده.

آنچه الیفی این اثر را موجه، منحصر به فرد و متمایز از آثار تألیفی دیگر در کانت می‌کند ویژگی‌هایی است که در بریل می‌آید.

۱. بیانی واضح و روشن - فلسفه کانت به اعتراف همه اهل فلسفه از مشکل‌ترین متن‌های فلسفی می‌باشد. به خاطر همین دشواری و پیچیدگی آن است که تفسیرهای مختلف درباره آن، به خصوص نقد عقل محض نوشته شده است. که از جمله آن‌ها می‌توان به شرح: وایهینگر^۱، اردمان^۲، ریکه^۳، آدیکس^۴، پیتون^۵، پنت^۶ و یوینگ^۸ در زبان انگلیسی نوشته شده است.

علی‌رغم مشکل بودن متن کانت به خصوص در نقد عقل محض، در این نوشته سعی شده، که این فلسفه تا حد ممکن به آسان‌ترین و ساده‌ترین شرح گردد، به‌طوری که حتی برای کسانی که برای اولین بار قدم در مسیر فلسفه می‌گذارند، با استدلالات خاص کانتی آشنائی ندارند، قابل فهم باشد.

۲. ترتیب منطقی مطالب و انسجام آن - در فلسفه نقادی کانت به خصوص نقد عقل محض، علاوه بر مشکل بودن، یک نوع به هم‌ریختگی نیز به چشم می‌آورد که به اعتراف

-
1. Vaihinger
 2. Erdman
 3. Reike
 4. Adickes
 5. Kemp. Smith
 6. Paton
 7. Bennet
 8. Ewing

خود کانت آن ناشی از عدم فرصت کافی او برای عرضه تفکرات خود بوده است.^(۱) کمپ اسمیت از بزرگ‌ترین شارحان کانت، دلیل عدم انسجام لازم را در فلسفه کانت، به‌خصوص نقد عقل محض این‌گونه بیان می‌کند: کتاب نقد عقل محض، یک اثر واحد نیست، بلکه مجموعه نوشته‌هایی است که در فاصله سال‌های ۱۷۶۹ - ۱۷۸۰ نوشته شده و به گفته خود کانت طی سه ماه و به‌طور شتاب‌زده جمع‌آوری شده است.^(۲) پیتون^(۳) شارح بادقت کانت، نیز به عدم انسجام فلسفه کانت این‌گونه اشاره می‌کند: در کتاب «نقد عقل محض» هیچ چیزی به مثالی، یک درک کل (منسجم) وجود ندارد.

در این اثر سعی شده است با توجه به مسئله زمان که گفته شد محور افکار کانت را تشکیل می‌دهد. نوع نظم منطقی میان مطالب مطرح شده در این فلسفه، بخصوص در عقل محض وجود دارد و نیز بین نقد عقل محض، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم رابطه منطقی نشان داده می‌شود.

۳. مستند بودن - در این اثر سعی شده است، هر آنچه از مطالب که در مورد این فلسفه مطرح می‌شود، مستند باشد و با اکثر قریب به اتفاق موارد عین کلمات کانت نقل شده است.

۴. راهنمای مطالعاتی - مجموعه پیوسته، نظریه‌ها و واژه‌نامه که در آخر کتاب فراهم آمده است، در حکم نوعی کانت‌شناسی است که زمینه مطالعاتی بیشتر خواننده را در کانت فراهم می‌کند.

با توجه به سه خصوصیت مذکور می‌توان گفت این راهنمای مطالعه متن آموزشی و یا حداقل کمک آموزشی را برای فلسفه کانت ایفا می‌کند که البته این کتاب را بر خوانندگان و اهل فن است.

مهدی طاهری‌ن: ۳۳

1-Rabel. Gabriel, kant, p. 127.

2. Smith. Norman . kemp, A Comentary of Kant's Critique of pure Reason, p.xix-xxi

3. Paton . H.J , The Categorical imperative , A study Kant's moral philosophy, p.37